

ایران و ایرانی در شعر ملک الشعراء بهار



• متین مدنی

چکیده

ملک الشعراء بهار (۱۳۳۰-۱۲۶۵ ش) از برجسته‌ترین شاعران عصر مشروطه و یکی از نمادهای پیوند ادبیات متعهد با هویت ملی در تاریخ ادبیات معاصر فارسی است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر خوانش مستقیم دیوان بهار، به بررسی بازتاب مفهوم «ایران» و «ایرانی» در اشعار او می‌پردازد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مرحوم بهار با گذر از رویکرد «هنر برای هنر»، مضامینی چون میهن‌دوستی، آزادی خواهی، مقاومت در برابر استبداد و استعمار، و ستایش چهره‌های تأثیرگذار ملی را به‌گفتمان مسلط شعر خود بدل کرده است. او با تلفیق استحکام زبانی سنت کلاسیک و دغدغه‌های نوین اجتماعی-سیاسی، توانست نام خود را به‌عنوان نمادی از «ادبیات متعهد» در حافظه تاریخی ایران ماندگار کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی :

ملک الشعراء بهار، مشروطه، ایران، شعر فارسی، میهن‌دوستی، هویت ملی، ادبیات.

در تاریخ ایران، همواره چهره‌هایی حضور داشته‌اند که تمامی توان خود را وقف پیشرفت این سرزمین کرده‌اند. اگر نگاهی به تاریخ شعر فارسی بیندازیم، دو شخصیت بیش از دیگران از این ویژگی برخوردار بوده‌اند: فردوسی در دوران باستان و ملک الشعراء بهار در دوران معاصر. اهمیت جایگاه استاد بهار به گونه‌ای است که برخی از پژوهشگران برجسته، او را در ردیف قله‌های متعالی شعر و ادب فارسی همچون فردوسی، حافظ و سعدی قرار داده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶).

بهار در معلمی و سیاست نیز از افراد موفق زمان خود بود، اما شاعری، برجسته‌ترین ساحت شخصیت او به شمار می‌رود. او در اکثر قالب‌های شعر فارسی طبع آزمایی کرده و از اوزان متنوع و قافیه‌های دشوار، هنرمندانه بهره گرفته است (رشیدی، ۱۴۰۳: ۲۵۲).

از منظر اندیشه‌شناسی، بهار از اصیل‌ترین شاعران ملی‌گرای زبان فارسی است. دغدغه اصلی او در تمامی اشعارش «ایران» است. او تنها یک شاعر زیبایی‌پرداز نبود، بلکه به تمام رویدادها و حوادث زمانه‌اش واکنش نشان می‌داد و موضع‌گیری سیاسی می‌کرد. حضورش در جریان مشروطه، یکی از ارکان اصلی جریان‌های فکری و ادبی آن دوران بود. شفیعی کدکنی در این باره می‌نویسد: «اگر دو نهنگ بزرگ از شط‌شعر بهار بخواهیم صید کنیم، یکی مسئله وطن است و دیگری آزادی. بهترین ستایش‌ها از آزادی در آثار بهار وجود دارد و زیباترین ستایش‌ها از مفهوم وطن، باز هم در دیوان او به چشم می‌خورد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۵)

شعر بهار با آنکه به مکتب شعری سنتی نزدیک است، توانست خود را با خواسته‌های ملت هماهنگ سازد، با مردم و رویدادهای زمانه همسو شود و بر تفکرات جامعه تأثیر عمیقی بگذارد (آرین‌پور، ۱۳۸۸).

در این نوشتار، با تورقی بر دیوان استاد بهار، برخی شخصیت‌ها و رویدادهایی را که او در اشعارش بازتاب داده بررسی می‌کنیم و چهره ایران و ایرانیان عصر وی را از خلال آن اشعار آشکار می‌سازیم.



ملک الشعراء
محمدتقی بهار

۱- عشق به وطن؛ بنیان اندیشه ملی بهار

نخستین شعری که از آن یاد می‌کنیم، قصیده «حب الوطن» است که بهار آن را در ستایش دوستی و عشق به وطن سروده و در آن، به حدیث نبوی «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» اشاره دارد. این مضمون در روایتی از امیرالمؤمنین (ع) نیز آمده است: «عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ؛ شهرها با حب وطن آباد می‌شوند» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۰۷).

”

هر کرا مهر وطن در دل نباشد کافر است

معنی حب الوطن، فرموده پیغمبر است

هر که بهر پاس عرض و مال و مسکن داد جان

چون شهیدان از می فخرش لبالب ساغر است

۲- اشغال ایران؛ فریاد اعتراض در برابر بیگانگان
شعر دیگری که شایسته توجه است، قصیده‌ای است که بهار در سال ۱۳۴۰ق، به هنگام اشغال ایران به دست لشکریان انگلیس و روس سروده است. او در این قصیده ستم همسایگان شمالی و جنوبی را به اجمال بیان کرده است (بهار، ۱۳۸۷):

ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد
نه بیوراسب کرد و نه افراسیاب کرد
از جور و ظلم تازی و تاتار درگذشت
ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد

شعر دیگر مربوط به دوره‌ای است که قشون روس در جنگ جهانی اول، خاک ایران را به اشغال درآورده بود. بهار در این قصیده با زبانی طنزآمیز به دولت روس انتقاد می‌کند و روسیه را به معشوقی مستبد و ستمگر تشبیه می‌نماید. این شعر با قافیه‌ای دشوار سروده شده و خود بهار درباره‌اش می‌گوید: «از زبان وجدان محصور شده خود، با لزوم مالایلم، چامه‌ای سروده و درج کردم.» پس از انتشار این شعر در شماره ۳۶ روزنامه «طوس»، این نشریه به دلیل مطالب ضد روس در شعبان ۱۳۲۸ق توقیف شد (صالحی، ۱۳۸۹).

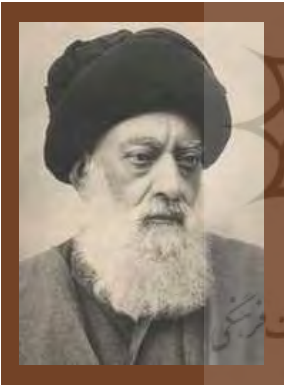
بخشی از این قصیده بدین گونه است:

دل فریبان که به روسیه جان جا دارند
مستبدانه چرا قصد دل ما دارند
دلبران خودسر و هرجایی و روسی صفتند
ور نه در خانه غیر از چه سبب جا دارند

۳- ستایش رجال ملی و آزادی خواهان
۳-۱. آیت‌الله سید محمد طباطبایی

بهار درباره شخصیت‌ها و چهره‌های مؤثر دوران خود و قیام مشروطه اشعار فراوانی سروده است. از جمله، در شعری به آیت‌الله سید محمد طباطبایی، یکی از ارکان اصلی انقلاب مشروطه، اشاره می‌کند. ملک‌زاده درباره او می‌نویسد: «طباطبایی از ارکان مهم مشروطیت ایران و از مؤسسان آن است. سعی و مجاهدات او به حدی حائز اهمیت است که می‌توان گفت بدون کوشش‌ها و حمایت‌های او، آزادی خواهان موفق به برقراری مشروطیت نمی‌شدند.» (ملک‌زاده، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۷۲)

تا حجه دین محمد از خاک برفت
از خاک خروش ما بر افلاک برفت
تاریخ وفاتش این چنین است که: وی
پاک آمد و پاک زیست هم پاک برفت



آیت‌الله سید محمد طباطبایی

۳-۲. سید حسن مدرس

سید حسن مدرس از دیگر شخصیت‌هایی است که بهار او را ستوده و به‌عنوان یک ایرانی آزاده از او یاد کرده است. مدرس از جمله با قرارداد ننگین ۱۹۱۹م به‌شدت مخالفت کرد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در توصیف ایشان گفته‌اند: «همان وقتی که علی‌الظاهر فضا را بر ضد او آن‌چنان متشنج کرده بودند که علیه‌اش شعار می‌دادند، او ایستاد و حرف خودش را زد... قرارداد وثوق‌الدوله بود، مجلس ایستاد.»

”

۳-۳. ادوارد براون

بهار تنها به ایرانیان بسنده نمی‌کند؛ اگر کسی در خدمت به ایران گام برداشته باشد، هرچند از ملیت دیگری، او را نیز می‌ستایند. نمونه برجسته این رویکرد، ستایش پروفیسور ادوارد براون، ایران‌شناس انگلیسی، است که نخستین بار تاریخ ادبیات ایران را به شکل آکادمیک و مستند به نگارش درآورد:

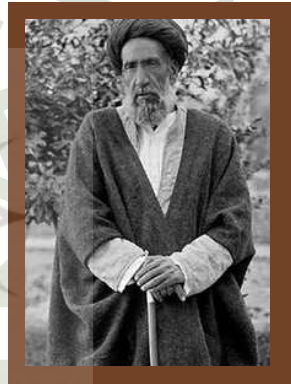
ادوارد براون فاضل ایران دوست
کش فکر نکو، قول نکو، فعل نکوست
از مردم انگلیس بر مردم پارس
گر مرحمتی بود همین تنها اوست

”

ادوارد براون فاضل ایران دوست
کش فکر نکو، قول نکو، فعل نکوست
از مردم انگلیس بر مردم پارس
گر مرحمتی بود همین تنها اوست



ادوارد براون



سید حسن مدرس

نتیجه گیری

مطالعه مضامین ملی، تاریخی و سیاسی در دیوان ملک الشعراء بهار نشان می‌دهد که او در تاریخ ادبیات معاصر فارسی، بیش از آنکه صرفاً ادیبی پایبند به سنت‌های کلاسیک باشد، یک «روشنفکر متعهد» است که پیوند میان شعر کهن و نیازهای نوین جامعه را به بهترین شکل برقرار کرده است. بهار با عبور از رویکرد «هنر برای هنر»، توانست مضامین متعالی میهن‌دوستی، آزادی‌خواهی، مبارزه با استبداد و استعمار، و ستایش آزادی‌خواهان را به گفتمان مسلط اشعار خود بدل کند. او همواره با موضع‌گیری‌های سنجیده نسبت به وقایع و اشخاص، زبان حق بود که از طریق شعر بیان می‌شد و بر افکار جامعه تأثیر می‌گذاشت. مرحوم بهار توانست با تلفیق استحکام زبانی گذشتگان و دغدغه‌ها و تفکرات معاصر، نام خود را به‌عنوان نمادی از پیوند «میهن‌پرستی» و «ادبیات متعهد» در حافظه تاریخی ایران ماندگار کند.



منابع

- ۱- آراین‌پور، یحیی (۱۳۸۸). از صبا تا نیما. تهران: زوار.
- ۲- بهار، محمدتقی (۱۳۸۷). دیوان اشعار ملک الشعراء بهار. تهران: نگاه. (نشر اثر اصلی ۱۳۴۴)
- ۳- حرانی، ابن‌شعبه (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- ۴- رشیدی، فرزانه (۱۴۰۳). ادبیات معاصر ایران (ج ۱). تهران: سخن.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی، از مشروطیت تا سقوط سلطنت. تهران: سخن.
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۶). ادبیات فارسی از جامی تا روزگار ما. ترجمه: حجت‌الله اصیل. تهران: نی.
- ۷- صالحی، نصرت‌الله (۱۳۸۹). «تاریخچه روزنامه نوبهار مشهد». پیام بهارستان، ۸۸(۲)، ۱۰۶-۱۲۷.
- ۸- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۸۷). تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. تهران: سخن.